

در جستجوی دک مؤلفه‌های فرهنگ رشته علوم انسانی در دانشگاه‌های شهرستان

مرضیه زیدی دکنلی، فریادلی* و گلنار مهران^۲

چکیده

دانش فرهنگی، همانند همه دارایی‌های ارزش آفرین، مستتر اما، بسیار مؤثر است. بر این پایه، هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ رشته علوم انسانی در دانشگاه‌های شهر تهران بود. به این منظور، رشته‌های مختلف علوم انسانی شامل: حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، جغرافیا و جامعه‌شناسی برای مطالعه انتخاب شدند. روش پژوهش، کیفی بود و گردآوری داده‌ها با مصاحبه نیمه ساختارمند انجام شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری شدت، افراد برای مصاحبه انتخاب شدند و داده‌های مصاحبه‌ها، با روش تحلیل موضوعی بررسی شدند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگی رشته‌های مورد مطالعه در ۹ تم دسته‌بندی شدند: هدف آموزش، رسانه آموزش، روش تدریس، روش ارزشیابی، روش انجام دادن پژوهش، روابط استاد با دانشجو، اخلاق علمی، نگرش به رشته و نگرش به دانشجو. این رشته‌ها، در دو سطح درون رشته‌ای و میان رشته‌ای با هم تفاوت دارند. سطح میان رشته‌ای، متأثر از عوامل برون‌ی یا فرا رشته یعنی دانشگاه و جامعه قرار دارد که اغلب در مطالعات نادیده گرفته می‌شود. لذا، برای بهبود این مؤلفه‌ها پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی تغییر فرهنگی در دستورکار سیاست‌گذاران آموزشی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ ملی، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ رشته‌ای، علوم انسانی، شهر تهران

۱. کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی. دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. marzi_yd@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. faradli@alzahra.ac.ir

۳. استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. g.mehran@alzahra.ac.ir

DOI:10.22051/jontoe.2020.26443.2688

https://jontoe.alzahra.ac.ir

مقدمه

فرهنگ، محدوده فعالیت‌ها را تعیین می‌کند و عامل بافتی مهمی است که تفاوت‌ها را خلق می‌کند. لذا شناخت فرهنگ، برای تغییر و تحول در هر سطحی، از جمله جایگاه رشته علوم انسانی ضروری است. وضعیت علوم انسانی به ویژه در دانش آفرینی، نه تنها با سطح جهانی فاصله جدی دارد. بلکه، در سطح داخلی نیز این شکاف در حوزه علوم انسانی در قیاس با سایر حوزه‌های دانش عمیق‌تر است و از اعتبار، جایگاه و وضعیت مناسبی برخوردار نیست (کدخدایی، اخوان تفتی، رضایت و احمدی، ۱۳۹۶). به‌رغم تغییر قوانین و تدوین سیاست‌های جدید در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ این رشته با بحران‌هایی در درون و در سطح جامعه مواجه است و برخی از بحران‌های درون رشته‌ای عبارت هستند از: ابهام در معنا و مصداق آزادی اندیشه، بحران تاریخی مسأله‌یابی پژوهش، فقر روش‌شناسی و غلبه روش تجربی، ابهام در جایگاه، کارکرد و نظریه‌پردازی؛ در بیرون یا سطح جامعه، با بحران‌های نهادینه نشدن ارزش و جایگاه این رشته در جامعه، تعامل نداشتن با سایر قلمروهای علمی، نبود بازار کار، پایین بودن انگیزه دانشجویان، گسترش بی‌رویه و بدون نیازسنجی این رشته، حضور کمی و غیرفعال در مجامع علمی و بین‌المللی، ساختار نامطلوب نظام آموزشی و هدایت دانش‌آموزان ضعیف به این رشته، ناتوانی آموزش عالی در جذب افراد مستعد و حضور نداشتن متخصصان این قلمرو در نظام تصمیم‌گیری روبرو است (حسینی و شهبابی، ۱۳۹۷). با وجود اینکه طیف گسترده‌ای از مسائل رشته علوم انسانی توجه پژوهشگران این قلمرو را به خود جلب کرده است، اما بندرت از بافتی بحث می‌شود که این قلمرو علمی در آن رشد می‌کند. فلائیویجرگ^۱ می‌گوید: علوم انسانی را نمی‌توان از عوامل ذهنی نظیر: ارزشها، بافت و قدرت جدا کرد؛ زیرا، موضوع این علوم ذهنی است؛ بافت یا محیط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی که این علوم در آن‌ها عمل می‌کنند و دانش آشکار می‌شود را نمی‌توان نادیده گرفت. انیس^۲ نیز، بر این باور است که چارچوب زمانی و بافت بسیار مهم هستند اما اغلب، در پژوهشها از این موضوع چشم پوشی شده است. هایدگر^۳ می‌گوید: دانش را نمی‌توان از بافت

1. Flyvbjerg
2. Annis
3. Heidegger



و موقعیت آن جدا کرد. ویگوتسکی^۱ نیز، بر جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی تأکید دارد و بر این باور است که دانش، در بافت فرهنگی شکل می‌گیرد (عدلی، ۱۳۹۷). بر پایه این بحث، از یک طرف، هر فرهنگی در توسعه و اشاعه علوم نقش دارد و از طرف دیگر، در دیدگاه علوم به مثابه فرهنگ، علم یک نوع فرهنگ است که موضوعی آشنا در جامعه شناسی دانش علمی است (پینچ،^۲ ۱۹۹۰: ۲۹۵). این دیدگاهها، مطالعه فرهنگ دانشگاهی و فرهنگ رشته ای را در صدر توجه پژوهشگران رشته علوم انسانی قرار می‌دهد.

فرهنگ دانشگاهی، نظام باورها، انتظارات و اعمال فرهنگی است که درباره چگونگی عمل به نحو دانشگاهی بحث می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۷) در این راستا، فرهنگ رشته ای، سطحی از مطالعات فرهنگ دانشگاهی است که پیوند میان افراد با زمینه‌های علمی مشابه در مؤسسات آموزشی را بررسی می‌کند (آستین^۳، ۱۹۹۶). بچر^۴ (۱۹۸۴) در تعریف فرهنگ رشته‌ای می‌گوید: روش مشترک تفکر و شیوه جمعی رفتار است که با عوامل اجتماعی و زیست محیطی از درون و بیرون بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد. ساختار و شکل دانش در رشته‌ای خاص، ویژگی فرهنگی آن است. لذا، فرهنگ رشته‌ای، طیف وسیعی از جلوه‌های فرهنگی است (گان^۵، ۲۰۱۴) و تفاوت‌های رشته‌ای، شکلی از تفاوت‌های فرهنگی محسوب می‌شوند که به ساختارهای مختلف دانش، طرح‌های پژوهش، فرایندها و شیوه‌های نوشتن مربوط می‌شود (ویسکر و کلاسون^۶، ۲۰۱۳). بچر (۱۹۹۴)، توجه به تفاوت‌های فرهنگ رشته‌ای را بسیار مفید و ضروری می‌داند به ویژه، در اجرای پژوهش و تدوین سیاست‌های آموزش عالی مانند سیاستگذاری برای ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها. از این رو، برای رشد و توسعه یک رشته و تدوین سیاست‌های آموزشی، شناسایی فرهنگ رشته‌ای اجتناب‌ناپذیر است. با پژوهش درباره فرهنگ رشته‌ای، زمینه‌های توسعه و مدیریت اثربخش آن قلمرو علمی فراهم می‌شود. با وجود اهمیت فرهنگ رشته‌ای، این موضوع توجه کمی را در تحلیل به خود جلب کرده است (پینچ، ۱۹۹۰: ۲۹۸). نظر منصور، یزدخواستی و هم‌تسی (۱۳۹۵) نیز، بر این باور هستند که به دیدگاه و ذهنیت کارگزاران علم، میزان درونی شدن فرهنگ دانشگاهی و

1. Vygotsky
2. Pinch
3. Austin
4. Becher
5. Gunn
6. Wisker and Claesson



فرهنگ رشته‌ای همچون، تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای علم توجه نشده است. در حالی که توجه به فرهنگ دانشگاهی به عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه علمی کشور ضروری است و حل بحران دانش‌آفرینی و تولید علم در گرو شناخت فرهنگ یادگیری، فرهنگ آموزش، فرهنگ سازمانی و مدیریت، فرهنگ رشته‌ای و دیگر خرده فرهنگ‌های درون دانشگاه است (احمدی، پسندیده و دهقان‌زاده، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه اجتماعی و فرهنگی مستلزم شناخت موضوع مورد برنامه‌ریزی است و بدون این شناخت، امکان برنامه‌ریزی و تغییر وجود ندارد (اسکندریان و برغم‌دی، ۱۳۹۵). بر این اساس، مطالعات فرهنگی، اصلی برای اصلاحات سیستمی هستند و برای حرکت به جایی که می‌خواهیم برویم، ضروری است جایی که هستیم شناسایی شود. بنابراین، اولین گام برای تغییر فرهنگی پایدار، درک این موضوع است که چگونه فرهنگ رشته‌ای شکل می‌گیرد و پایدار می‌شود (گادفری^۱، ۲۰۱۵: ۴۳۷). به‌رغم اهمیت فرهنگ رشته‌ای، پژوهش‌هایی محدودی در این قلمرو انجام شده است از جمله: معارف‌وند، شمس و صباغیان (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی یادگیری دانشجویان رشته علوم انسانی»، ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی را در سه سطح فردی، نهادی و تعاملی بررسی کردند. سطح فردی شامل: انگیزه یادگیری، نقش یادگیرنده، انتظارات دانشجویان از یادگیری و وظایف یادگیرنده است. در این سطح، دانشجویان در طی فرایند یادگیری منفعل و فعالیت‌های کلاس را در حد وظیفه انجام می‌دهند، به جای نقد و اندیشه‌ورزی، گزارش‌های کاملاً توصیفی ارائه می‌کنند. یادگیری دانشجویان علوم انسانی، سطحی و ناپایدار است. هدف‌ها و چشم‌انداز روشنی از تحصیل ندارند، بی‌انگیزه، تمایل به نمره‌گرایی و مدرک‌گرایی دارند. سطح تعاملی شامل: فضای یادگیری، ساختار محتوا، هدف‌ها، رسانه، ارزشیابی، روابط استاد با دانشجو، استاد و چارچوب زمان است. ثبات زمانی و نبود انعطاف لازم، دغدغه اصلی این سطح است. فضای فیزیکی دانشکده‌ها مناسب نیستند و یادگیری در فضای بسته کلاس محصور می‌شود. تدوین سرفصل‌ها و محتوا، متمرکز و تجویزی است و ارزشیابی نیز سطحی انجام می‌شود. سطح نهادی شامل: تشویق نوآوری آموزشی، قوانین رسمی و غیررسمی، بهبود کیفیت زمینه یادگیری، توسعه هیئت علمی، توانمندسازی ظرفیت آموزش است. برنامه مشخصی برای تشویق نوآوری و ابتکار، توسعه و بهبود کیفیت بافت یادگیری وجود ندارد و توسعه حرفه‌ای اعضای هیئت علمی،



عرضه‌محور است. اسکندریان و برغم‌دی (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های فرهنگی دانشجویان رشته‌های هنر» را مطالعه کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین وضعیت فرهنگی دانشجویان هنر و سایر دانشجویان تفاوت وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها طبیعی و از ویژگی‌های رشته هنر است و برخی غیر طبیعی و تأمل برانگیز است. قسمتی از این تفاوت‌های غیر طبیعی از ویژگی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی ناشی می‌شود که به شکل طبیعی برای دانشجویان رشته هنر وجود دارد. امین مظفری، عباس زاده و رضایی فرهاد آباد (۱۳۹۴) «رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز» را بررسی کردند. در این پژوهش، فرهنگ رشته‌ای بر پایه سه بُعد ایفای نقش پژوهشگر، همکاری‌های دانشگاهی و جو حمایتی (برک کوئیست) و فعالیتهای پژوهشی (دسته بندی علوم بچر) مطالعه شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، دامپزشکی، مکانیک، برق، فیزیک و شیمی همانند فرهنگ حاکم بر کل دانشگاه، فرهنگ مشارکت‌پذیر دارند. دانشکده‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی، ادبیات و زبان‌های خارجی، کشاورزی، عمران و علوم پایه، فرهنگ وکالتی و دانشکده ریاضی، فرهنگ توسعه‌ای دارند. خاکباز (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی چارچوبی برای مطالعه فرهنگ رشته‌ای در برنامه‌های درسی آموزش عالی»، فرهنگ رشته ریاضی (محض - سخت) و علوم تربیتی (نرم-کاربردی) را بر اساس چارچوب فرهنگ رشته‌ای گادفری مقایسه کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هدف‌های رشته ریاضی در جهت تفسیر و ساده‌سازی جهان پیچیده و هدف‌های علوم تربیتی، تبیین پیچیدگی عمل جاری در زندگی روزمره است. همچنین، روش تدریس در ریاضی، مسأله محور و در علوم تربیتی، گفتمانی و متنوع است، تکلیف و ارزشیابی در ریاضی جزء گرا و علوم تربیتی کل‌گرا، پژوهش در علوم تربیتی مشخص و در ریاضی نامشخص و روش پژوهش در علوم تربیتی از جزء به کل و در ریاضی از کل به جزء است. باید توجه کرد فرهنگ رشته‌ای با توجه به فرهنگ جامعه پذیرنده آن رشته، تغییر می‌کند. یلون، گیلسپی و گرین^۱ (۲۰۱۸)، نمرات دانشجویان دوره کارشناسی و اندازه‌گیری میزان یادگیری در آموزش عالی را با استفاده از داده‌های بزرگ در طی پنج سال بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش، تفاوت‌های رشته‌ها را در فرهنگ‌های سنجش در آموزش عالی انگلستان نشان می‌دهد. تفاوت فرهنگ‌های سنجش رشته‌ای، یکی از عوامل مهم در توضیح تفاوت‌ها در نمرات دانشجویان در و میان مؤسسات آموزش عالی

است. توزیع نمره‌ها، «فاصله صفر» را نشان می‌دهد و منعکس‌کننده فرهنگ‌های مختلف سنجش رشته‌ای و پیچیدگی فرایند نمره‌گذاری و سنجش است. گالیل^۱ (۲۰۱۷)، در مطالعه خود، ساختار سه بعدی فرهنگ رشته‌ای را ارائه می‌کند. اولین قلمرو، هسته است که بنیان‌ها، اصول هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، مدل پارادایمی و مفاهیم اساسی را شامل می‌شود. دومین قلمرو، بانه دانش است که بر هسته محاط است. بانه دانش شامل: قوانین خاص، مفاهیم ثانویه، تبیین پدیده‌های خاص، تجربیات، فناوری و غیره است. سومین قلمرو، برای نشان دادن بهتر ماهیت دانش علمی به عنوان فرهنگ، حاشیه یا محیط را گسترش می‌دهد. عناصر حاشیه در تقابل با هسته رشته مربوطه هستند. حاشیه، مسائل چالش‌برانگیز را دربردارد و گفتمان علم را نشان می‌دهد. کوبلیتز^۲ (۲۰۱۶)، بر پایه چگونگی پاسخ رهبران این حوزه‌ها به انتقادات، راه‌های تشخیص فرهنگ رشته‌ای سالم از بیمار را بررسی کرد. بر اساس یافته‌های برخی پژوهش‌ها، بدترین رفتار در میان افراد بسیار برجسته یک رشته رخ می‌دهد. لذا، این پرسش وجود دارد که چرا پژوهشگران برجسته به انتقادات به طرز وحشیانه‌ای واکنش نشان می‌دهند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این موضوع، به خاطر شخصیت آن‌ها نیست. بلکه، ناشی از فرهنگ رشته آن‌ها است. فرهنگ رشته‌ای، بطور قابل توجه‌ای رفتارهای ناخوشایند را به پژوهشگران تحمیل می‌کند و فرد را از استانداردهایی دور می‌کند که از دانشمندان انتظار می‌رود. دلیل رفتار آن‌ها در جهان رمزگشایی این موضوع است که فرهنگ رشته‌ای فرد را وادار می‌کند و حتی رفتارهای بد را تحریک می‌کند. لوئیس، بارتلت و اتکینسون^۳ (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «پنهان در میانه: فرهنگ، ارزش‌ها و پاداش در رشته بیوانفورماتیک» را بررسی کردند که قلمرو مطالعه بین رشته‌ای است و ترکیب بیولوژی و علوم کامپیوتر است. با وجود اینکه بین رشته‌ای بودن یک فضیلت بالقوه برای حل مشکلات پیچیده و نوآوری محسوب می‌شود، افراد در پژوهش‌ها با موضوعات غیرمعمول مواجه می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد پژوهش بین رشته‌ای موفق، به درک فرهنگ‌های رشته‌ای و سیستم‌های ارزش بستگی دارد که اغلب فقط به طور ضمنی، اعضای اجتماع مورد بحث اهمیت آن را درک می‌کنند. گادفری (۲۰۰۹)، بر اساس طبقه‌بندی بچر، رشته مهندسی را جز علوم سخت قرار می‌دهد

1. Galili
2. Koblitz
3. Lewis, Bartlett and Atkinson

و بر پایه چارچوب فرهنگی شاین، فرهنگ رشته آموزش مهندسی را بررسی می‌کند. او ابعاد و عناصر فرهنگی آموزش مهندسی شناسایی و مدلی برای تحلیل فرهنگی ارائه کرد. این مدل، سه سطح دارد. سطح اول، مصنوعات، اعمال و رفتارها است. مصنوعات، ویژگی‌های فرهنگی مشهود، ابزارها و نشانه‌های فرهنگی است نظیر: اسناد نوشتاری، نشریات، بیانیه رسالت و هدف‌ها، ساختمان و سبک‌های لباس. اعمال، روش معمول انجام دادن کارها است مانند: برنامه درسی، روش‌های تدریس، شیوه سنجش و سیستم پاداش. رفتارها، پاسخ‌های مشاهده شده است که واکنشی به محیط بیرونی است شامل: پاسخ به افراد، سیستم‌ها و رویه‌های پاسخ‌ها به اعمال و مصنوعات. سطح دوم، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است شامل: جلسات، سال‌های اول مشترک اعضا، فضای جمع شدن دانشجویان و تعامل با همکاران است. سطح سوم، باورها و مفروضات مشترکی است که در طی زمان شکل می‌گیرد. باورها و مفروضات مشترک، پاسخ‌های فردی و گروهی به موضوعاتی مثل: چگونگی برقراری ارتباط، تعامل با قدرت و تناسب رقابت یا رفاقت که می‌تواند در ابعاد انتزاعی‌تر مانند ماهیت واقعیت، ماهیت انسان، زمان، فضا و غیره گروه‌بندی شود. به رغم اهمیت فرهنگ رشته‌ای، مطالعات در این قلمرو در آغاز راه است و دانش ما از فرهنگ رشته‌ای کم است و سازوکارهای تغییر آن را نمی‌دانیم. لذا، برای تغییر و بهبود در بافت و محتوای رشته علوم انسانی به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. بر این اساس، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. مؤلفه‌های فرهنگ رشته‌های علوم انسانی کدامند؟ و ۲. فرهنگ رشته‌های علوم انسانی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند؟

روش

با توجه به اینکه یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای توسعه و بهبود وضعیت رشته علوم انسانی، تغییر و تدوین سیاست‌ها از جمله اجرای سیاست بین رشته‌ای به کار رود؛ از نوع کاربردی است. همچنین، از آنجایی که پژوهشگران در صدد درک و شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ رشته علوم انسانی بودند؛ روش پژوهش کیفی و برای توصیف مؤلفه‌های فرهنگ بر اساس فهم زندگی از نقطه نظر بومی (اینجا اعضای هیئت علمی) از رویکرد مردم‌نگاری استفاده شد. به عبارت دیگر، معانی و مفاهیم مربوط به رویدادها و وقایع دانشگاهی، آن‌گونه که اعضای هیئت علمی تجربه کرده و با آن‌ها درگیرند، مطالعه و تفسیر شد. برای گردآوری



داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. مصاحبه‌ها، با هدف درک این موضوع که اعضای هیئت علمی درباره رشته خود چگونه فکر می‌کنند و کشف زیست جهان آن‌ها طرح ریزی شد. با توجه به اهمیت سطح و عمق دانش شرکت‌کنندگان، از نمونه‌گیری شدت استفاده شد. به این معنا که افراد بر اساس مرتبط بودن، نمایا بودن (فلیک^۱، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۴۱) یا آگاه بودن و کمک به شناسایی و درک موضوع انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان، بر اساس مدرک تحصیلی، تعداد فعالیت‌ها و پژوهش‌های موجود در معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه‌ها، برای مصاحبه انتخاب شدند. مدت زمان تقریبی هر مصاحبه، ۵۰ دقیقه بود و مصاحبه در دفتر کار مصاحبه‌شوندگان با تعیین وقت قبلی انجام شد. در ابتدای هر جلسه مصاحبه، مصاحبه‌کننده (یکی از پژوهشگران) خود را معرفی و برای ایجاد علاقه، درباره هدف و اهمیت پژوهش توضیح می‌داد. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، با موافقت مصاحبه‌شوندگان، صدای آن‌ها ضبط شد. برای مصاحبه، با توجه به پرسش‌های پژوهش و ادبیات موجود راهنمای مصاحبه تهیه شد. نمونه‌ای از پرسش‌ها عبارت هستند از: درباره جایگاه رشته خود در جامعه چگونه فکر می‌کنید؟ چگونه مفاهیم را به دانشجویان انتقال می‌دهید؟ چگونه این مفاهیم را می‌سنجید؟ وضعیت علمی دانشجویان چگونه است؟ و غیره. در فرایند مصاحبه، از اصل اشباع نظری پیروی شد. به عبارت دیگر، مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه داشت که یافته جدیدی به دست نیامد. در مجموع، با ۱۰ عضو هیئت علمی (جدول ۱)، مصاحبه انجام شد. همچنین، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از میان رشته‌های علوم انسانی، حقوق، مدیریت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی انتخاب شدند. پژوهشگران دلایل مختلفی برای انتخاب این رشته‌ها داشتند از جمله: شواهد مربوط به رشته‌های نسبتاً پرکشش و رتبه‌های داوطلبان کنکور علوم انسانی و گرایش آن‌ها به این رشته‌ها در سال‌های اخیر، مصاحبه اولیه با بسیاری از داوطلبان کنکور که قصد انتخاب رشته دانشگاهی را داشتند و تجربه زیسته پژوهشگران از جمله این دلایل هستند.



جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناسی اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده در پژوهش

رشته علمی	کد	رتبه دانشگاهی	تجربه تدریس	جنسیت
دکترای علوم تربیتی (مدیریت آموزشی)	۱	استادیار	۱۵	زن
دکترای جغرافیای شهری	۲	استادیار	۱۳	مرد
دکترای حقوق خصوصی	۳	استادیار	۱۹	زن
دکترای جامعه‌شناسی	۴	دانشیار	۳۰	مرد
دکترای جغرافیای طبیعی	۵	استادیار	۱۱	زن
دکترای مدیریت	۶	استادیار	۱۰	زن
دکترای حقوق خصوصی	۷	استادیار	۷	زن
دکترای مدیریت	۸	دانشیار	۱۰	زن
دکترای علوم تربیتی (مدیریت آموزشی)	۹	استادیار	۱۰	زن
دکترای جامعه‌شناسی	۱۰	استادیار	۲۰	مرد

برای تحلیل داده‌های این پژوهش، از روش تحلیل موضوعی استفاده شد. بر این اساس، تحلیل، در سه مرحله انجام شد: ابتدا، پس از هر جلسه مصاحبه، صداها به متن تبدیل شدند سپس، متن‌ها، بر اساس پرسش‌های پژوهش، کدگذاری و بر پایه ادبیات پژوهش نام‌گذاری شدند. واحد تحلیل در این متون، جمله یا عبارت بود. به این ترتیب، چندین بار سطر به سطر متن‌ها خوانده، عبارات و جمله‌هایی که ارتباط چندانی با پرسش‌های پژوهش نداشتند یا معنای مشابهی داشتند، حذف و در نهایت، عبارات و جملات مشابه، بر اساس معیارهای قابل فهم بودن، قابل یادگیری و تفسیرپذیری خلاصه و دسته‌بندی شدند. برای تعیین اعتبار، از روش کنترل اعضا استفاده شد. به این معنا، دو نفر از شرکت‌کنندگان یافته‌های پژوهش، نتایج و تفسیر آن‌ها را بررسی و درباره آن قضاوت کردند.

یافته‌ها

در ارتباط با پرسش اول، مؤلفه‌های فرهنگ رشته‌های علوم انسانی مورد مطالعه کدامند؟ بر پایه تحلیل داده‌ها ۹ تم شامل: هدف آموزش، رسانه آموزش، روش تدریس، روش ارزشیابی، روش انجام دادن پژوهش، رابطه استاد با دانشجو، نگرش به رشته، نگرش به دانشجو و اخلاق علمی،

به عنوان مؤلفه‌های فرهنگ رشته‌ای شناسایی شدند؛ در ادامه یافته‌ها، به تفکیک رشته‌ها ارائه می‌شود.

فرهنگ رشته علوم تربیتی: هدف آموزش، انتقال دانش و فرهنگ است، «هدف آموزش علاوه بر تربیت دانشجویی که قدرت تحلیل و تفکر داشته باشد، انتقال فرهنگ و دانش نیز هست» (کد ۱). استادان در این رشته از رسانه‌های دیداری و شنیداری استفاده می‌کنند، «در صورتی که امکانات باشد از رسانه‌ها و وسایل کمک آموزشی استفاده می‌کنم» (کد ۱). روش تدریس، مشارکتی و متنوع است. «روش تدریس تعامل، مشارکت و گفتگو است» (کد ۱). «روش سخنرانی، پرسش و پاسخ و مشارکتی را بیشتر استفاده می‌کنم» (کد ۹). ارزشیابی در این رشته، بیشتر تحلیلی است. «در بیشتر موارد امتحان ندارم. بلکه یک سؤال را حدود ۱ یا ۲ ماه قبل از امتحان مطرح می‌کنم و دانشجو ۳ یا ۴ ماه مهلت دارد تا جواب دهد. دانشجو، کتاب و مقالات مختلف در اختیار دارد، اما من قدرت تحلیل دانشجو را می‌خواهم با این کار خلأقیبت دانشجو به کار می‌افتاد» (کد ۱). پژوهش‌ها، کاربردی و مسأله پژوهش برخاسته از محیط واقعی است و بیشتر به شکل فردی انجام می‌شود. روابط استاد و دانشجو، فراتر از کلاس درس است و اغلب، به دوستی صمیمی میان آن‌ها منجر می‌شود. به نظر مصاحبه‌شوندگان، این رشته، یکی از مهم‌ترین رشته‌های علوم انسانی است. زیرا، آینده کشور در دستان تعلیم و تربیت است. لذا، دانشجویان در این رشته باید از انگیزه و هوش کافی برخوردار باشند و نسبت به محیط‌های آموزشی جامعه خود دید عمیقی داشته باشند. این در حالی است که به نظر می‌رسد به دلیل تصور غالبی، نامناسب و شرایط ورود به دانشگاه، این رشته ناشناخته مانده و منجر شده دانشجویان علاقه چندانی به این رشته نداشته باشند. اخلاق علمی، در این رشته همچون سایر رشته‌ها کم و بیش رعایت نمی‌شود.

فرهنگ رشته حقوق: هدف آموزش، تفهیم، بررسی و تحلیل قواعد حقوقی و پرورش دهنده قدرت گفتمان، استدلال و منطق دانشجو است. در این رشته از رسانه‌های آموزش استفاده نمی‌شود، «به جهت ذهنی بودن مفاهیم در این رشته، رسانه آموزشی کمک زیادی به یادگیری نمی‌کند» (کد ۷). «با توجه به تجربه‌های خودم، وقتی از بچه‌ها درباره استفاده از این ابزارها و رسانه‌ها سؤال کردم، آن‌ها راضی نبودند. یعنی ترجیحشان این است که استاد بلند شود، حرف بزند، روی تخته بنویسد، پاک کند و دوباره مسأله را جور دیگری مطرح کند و

بنویسد» (کد ۳). روش تدریس سخنرانی است، «در این رشته استاد باید مطالب را بیان کرده و سخنرانی کند. هر چند که در حین تدریس مثال‌های کاربردی میزنم، اما به هر حال نوعی استادمحوری است» (کد ۳). «رشته حقوق ویژگی که دارد یک مقدار نسبت به سایر رشته‌ها، سنتی باقی مانده، شاید به ویژگی خودش هم برمی‌گردد. بخاطر اینکه هم قوانین دیر عوض می‌شوند، هم اصول حقوقی تقریباً از ابتدای بشریت تا حالا ثابت بودند. این ویژگی باعث شده است از حیث روش آموزش، این رشته خطابه‌ای باشد» (کد ۷). روش ارزشیابی، مسأله محور است، «ارزشیابی به شکل رایج و سنتی یعنی کتبی است. سؤال می‌دهم، سئوالات هم مسأله‌محور است» (کد ۷). پژوهش کاربردی و فردی بیشتر مورد استقبال این رشته است، «هر دو پژوهش بنیادی و کاربردی خوب است، ولی پژوهش‌های کاربردی معمولاً بر طرفدارتر است، بیشتر هم به درد می‌خورد، چون به هر حال دستگاه‌های مختلفی هستند که از نتایج استفاده می‌کنند. خوب است پژوهش تیمی و گروهی انجام شود، اما معمولاً فردی انجام می‌شود و این به قاطبه کشور برمی‌گردد که کار تیمی اصولاً به ندرت انجام می‌دهند. پژوهش‌هایی که قرار است مشکلی را حل کند انتخاب می‌کنیم و این دلیل کاربردی بودن این رشته است» (کد ۷). روابط استاد و دانشجو دوستانه است. همچنین، این نگرش وجود دارد که حقوق از رشته‌های مهم در حوزه علوم انسانی است، «این رشته خیلی کم‌تر از بقیه رشته‌های علوم انسانی ویژگی انتزاعی بودن را دارد. در نهایت ما شکل عملی کار را در حقوق بیشتر می‌بینیم و این باعث شده که دانشجویان رغبت زیادی به این رشته داشته باشند» (کد ۷). اخلاق علمی، در این رشته به دلیل ماهیتی که دارد، بیش از سایر رشته‌ها رعایت می‌شود. «حقوقی‌ها، ذاتاً قانون‌مدار بار می‌آیند و سعی می‌کنند حتماً اخلاق علمی را رعایت کنند. البته، بعضاً دیده می‌شود که اخلاق حرفه‌ای و علمی رعایت نشود، ولی من فکر می‌کنم که رعایت نکردن اخلاق علمی به معنای سرقت علمی، در آن‌ها کم‌تر صورت می‌گیرد» (کد ۷).

فرهنگ رشته جغرافیا: جغرافیا میان رشته‌ای، کلی و پیچیده است. هدف آموزش، تحلیل فضا، مکان و پدیده‌ها است. رسانه آموزش در این رشته، از اهمیت بسزایی برخوردار است. با وجود این، به دلیل ضعف در امکانات و تجهیزات لازم، ساختارها و قوانین دانشگاه از رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی غیرکلاسی مانند گردش علمی استفاده نمی‌شود و به تبع این موضوع، روش‌های تدریس در این رشته متنوع نیست، «در صورت فراهم شدن امکانات و تجهیزات



می‌توان از آزمایشگاه‌های مجهز استفاده کرد که ما نداریم» (کد ۵). «باید قسمتی از تدریس جغرافیا در محیط و فضای بیرون از کلاس درس باشد که صورت نمی‌گیرد. باید زمینه و امکانات فراهم شود تا به درون شهر برویم. اگر این اتفاق بیافتد، رشته ما موفق‌تر می‌شود. جغرافیا با فضا و محیط سروکار دارد از این رو، بخشی از روش تدریس در رشته ما عملی است. ولی با توجه به مشکلات و قوانینی که وجود دارد عملاً نمی‌توان دانشجو را به محیط برد» (کد ۲). روش ارزشیابی، انجام دادن پروژه کلاسی و پرسش‌ها مفهومی هستند. مسأله پژوهش، بر اساس مسائل دنیای واقعی و بیشتر از نوع کاربردی است. «پژوهش در جغرافیا کاربردی است، چون جغرافیا دامنه وسیعی دارد، یک موضوع کاملاً میان رشته‌ای است» (کد ۵). همکاری گروهی در این رشته تا حدودی انجام می‌شود، «یک وقتی پروژه‌ای تحقیقاتی داریم، که نه تنها تیمی از خودمان، بلکه در این تیم گاهی متخصصانی از رشته‌های دیگر هم هستند. علوم دیگر ممکن است یک موضوعی را زیر ذره‌بین بگذارند و ریز آن را بررسی کنند، اما بالا می‌ایستیم و آن مسأله را با پیرامونش می‌بینیم. وقتی ما پیرامون را می‌بینیم، طبیعی است که خیلی رشته‌ها هم لازم می‌شود که به کارشان بگیریم» (کد ۲). روابط استاد با دانشجو، دوستانه و صمیمی است. به دلیل نگرش نامناسب جامعه نسبت به این رشته، تمایل دانشجویان به رشته جغرافیا کم است و این به نوبه خود ناشی از ضعف در معرفی جایگاه علمی و شغلی این رشته است. «متأسفانه جایگاه علمی این رشته الان کم‌تر در کشور ما مشخص است» (کد ۲). رعایت اخلاق علمی گاه نادیده گرفته می‌شود، «سرقه علمی یا هر بد اخلاقی علمی دیگر در تمامی رشته‌ها دیده می‌شود. رشته ما هم از این قاعده مستثنی نیست» (کد ۵).

فرهنگ رشته جامعه‌شناسی: هدف آموزش در این رشته، شناسایی اجتماع و پدیده‌های مربوط به آن است و از آنجایی که به جنبه‌های متفاوتی از حیات اجتماعی نظر دارد؛ با بسیاری از رشته‌ها مانند اقتصاد، فلسفه، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی ارتباط دارد. رسانه آموزش، در این رشته دیداری و شنیداری است؛ «اگر وسایل و امکانات دانشگاهی موجود باشد، استفاده می‌کنم» (کد ۴). روش تدریس بر پایه گفت‌وگو است، «در کلاس من گفت و شنود و بحث وجود دارد» (کد ۴). ارزشیابی، مفهومی و روش‌های پژوهش، توصیفی و بیشتر فردی است، «پژوهش را هم به شکل فردی و هم گروهی انجام می‌دهیم؛ ولی عموماً تمایل به کار فردی قوی‌تر است» (کد ۴). «پژوهش‌ها را معمولاً فردی انجام می‌دهم. گاهی هم با تعداد کمی از



همکاران» (کد ۱۰). «روابط میان استاد و دانشجو، دوستانه است» (کد ۴). این رشته، از پایه‌های دانش محسوب می‌شود که می‌تواند بین علم و جامعه پیوند برقرار کند. رعایت اخلاق علمی، گاه نادیده گرفته می‌شود «در دورانی زندگی می‌کنیم که کم‌تر شاهد رعایت صداقت و اخلاق علمی هستیم. با اینحال سعی می‌کنیم این امور مهم را به دانشجویان بیاموزیم و خود هم رعایت کنیم» (کد ۱۰).

فرهنگ رشته مدیریت: هدف آموزش، افزایش مهارت دانشجویان در شناخت مسائل، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مربوط به مسائل، ارزیابی راه‌حل‌های مختلف در هر مسأله و در نهایت تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم است. رسانه آموزش، از نوع دیداری و شنیداری است. استادان از روش‌های تدریس فعال استفاده می‌کنند، «تدریسی که مبتنی بر حفظیات باشد خوب نیست، از این رو کلاس‌هایم را آزاد گذاشته‌ام تا دانشجو هر انتقاد و مطلبی در مورد مطالب درسی دارد بیان کند» (کد ۶). روش ارزشیابی، در این رشته مفهومی و پژوهش‌ها، بیشتر کاربردی و بر پایه مسائل روز سازمان‌ها، جهانی و ملی است. روابط استاد با دانشجو، دوستانه و صمیمی است، «ارتباطم با دانشجویان بسیار عالی است. کلاس خشکی ندارم، بلکه با آن‌ها یک رابطه صمیمی دارم» (کد ۶). همچنین، دانشجویان این رشته باید از قدرت تحلیل بالایی برخوردار باشند. اخلاق علمی، در این رشته گاهی رعایت نمی‌شود.

در ارتباط با پرسش دوم، فرهنگ رشته‌های علوم انسانی مورد مطالعه، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ رشته‌های مورد مطالعه، در مؤلفه‌های هدف آموزش، روش ارزشیابی، روابط استاد با دانشجو، اخلاق علمی، نگرش به رشته و نگرش به دانشجو شباهت و در مؤلفه‌های رسانه آموزش، روش تدریس و روش انجام دادن پژوهش تفاوت دارند (جدول ۲).

جدول ۲: مقایسه فرهنگ رشته‌های مورد مطالعه بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان

رشته	مؤلفه	علوم تربیتی	حقوق	جغرافیا	جامعه‌شناسی	مدیریت
هدف آموزش	انتقال فرهنگ و دانش	تقویت قدرت استنباط، تفسیر و تفهیم قواعد	تحلیل فضا، مکان و پدیده‌ها	شناسایی اجتماع و پدیده‌های آن	شناخت مسائل، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات	
رسانه آموزش	دیداری-شنیداری	استفاده بسیار کم	دیداری شنیداری	دیداری-شنیداری	دیداری-شنیداری	
روش تدریس	روش‌های متنوع	منفعل و استاد محور	منفعل	مبتنی بر گفت‌وگو	روش‌های متنوع	
روش ارزشیابی	تحلیلی	مسئله محور	مفهومی و پروژه‌ای	مفهومی	مفهومی و پروژه‌ای	
روش پژوهش	کاربردی- فردی	کاربردی- فردی	کاربردی/تمایل به پژوهش گروهی	حل مسئله به صورت غیر مستقیم- فردی	کاربردی- فردی	
روابط استاد با دانشجو	دوستانه و صمیمی	دوستانه و صمیمی	دوستانه و صمیمی	دوستانه و صمیمی	دوستانه و صمیمی	
نگرش به رشته	با اهمیت و ضروری، میان رشته‌ای	مفید، سودمند، کاربردی و بومی	مورد نیاز جامعه و کاربردی	پایه دانش و پیونددهنده علم و جامعه	کاربردی و ضروری	
نگرش به دانشجو	اجتماعی، کل نگر و با قدرت تفکر، اما نگران از آینده و بی‌انگیزه	سطح عالی از سواد و هوش بالا	اجتماعی، کل نگر و با قدرت تفکر خوب، اما نگران از آینده و بی‌انگیزه	اجتماعی، کل نگر و با قدرت تفکر، اما نگران از آینده و بی‌انگیزه	اجتماعی، کل نگر و با قدرت تفکر، اما نگران از آینده و بی‌انگیزه	
اخلاق علمی	گاهی رعایت نکردن اخلاق	گاهی رعایت اخلاق	گاهی رعایت نکردن اخلاق	گاهی رعایت نکردن اخلاق	گاهی رعایت نکردن اخلاق	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، توصیف و تفسیر فرهنگ رشته علوم انسانی- حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، جغرافیا و جامعه‌شناسی، در دانشگاه‌های شهر تهران بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های فرهنگ رشته علوم انسانی شامل: هدف آموزش، رسانه آموزش، روش تدریس، روش ارزشیابی، روش پژوهش، روابط استاد با دانشجو، نگرش به رشته، نگرش به دانشجو و اخلاق علمی هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها، در هر رشته، ویژگی‌های خاص خود را دارد که در مجموع، به خلق فرهنگ خاص هر رشته منجر شده است. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رشته‌های مورد مطالعه در مؤلفه‌های هدف آموزش، روش ارزشیابی،

روابط استاد با دانشجو، اخلاق علمی، نگرش به رشته و نگرش به دانشجو شباهت و در مؤلفه‌های رسانه آموزش، روش تدریس و روش انجام دادن پژوهش در درون رشته و در سطح فرارشته با هم تفاوت دارند.

هدف آموزش، یکی از مؤلفه‌های مشترک در رشته‌های علوم انسانی، پاسخ دادن به مسائل پیچیده انسان و جوامع است. پژوهش خاکباز (۱۳۹۳)، در این ارتباط نشان می‌دهد هدف این رشته، تبیین پیچیدگی عمل جاری در زندگی روزمره است. مؤلفه مشترک دیگر، روش ارزشیابی در این رشته‌ها است که بر اساس ماهیت آن‌ها، تحلیلی و پروژه‌محور است. یافته‌های پژوهش یلون و همکاران (۲۰۱۸)، نشان می‌دهد فرهنگ رشته‌ها در تعیین چگونگی سنجش و اندازه‌گیری میزان یادگیری دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی مؤثر است. روابط گرم و صمیمی استاد با دانشجو در رشته‌های مورد مطالعه، مؤلفه مشترک دیگری است که در پژوهش حائری زاده، اصغر پورماسوله، نوغانی و میرانوری (۱۳۸۸) نیز بررسی شد. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد در دانشکده‌های علوم انسانی، تعاملات بیشتر و بهتری بین استاد و دانشجو وجود دارد. اخلاق علمی، مؤلفه مشترک دیگری در میان رشته‌های مورد مطالعه است. یافته‌های پژوهش شهابی و حسینی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد، رشته‌های علوم انسانی از ریاکاری در پژوهش رنج می‌برند. فراستخواه (۱۳۸۵)، عزیززاده اقدم، عباس‌زاده، شیشوانی و تجویدی (۱۳۹۰)، قنبری، اردلان، بهشتی راد و سلطانزاده (۱۳۹۰) معتقد هستند رشد علم و کیفیت آموزش عالی با اخلاق علمی ارتباط دارد. رعایت نکردن اخلاق علمی در دانشگاه‌های ایران از جمله آسیب‌های فراروی رشته‌های علوم انسانی است. درباره نگرش به رشته، یافته‌های پژوهش شهابی و حسینی (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد رشته علوم انسانی به دلیل کارکردهایی مانند: توانایی حل مشکلات جامعه، انطباق با جهت‌گیری ارزشی و فرهنگی، وحدت ملی و غیره، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت ایفا می‌کند. لذا، بدیهی است افرادی که در این حوزه مطالعه می‌کنند نگرش مثبتی به این رشته داشته باشند. مؤلفه فرهنگی مشترک دیگر رشته‌های مورد مطالعه، نگرش به دانشجو است. در حالی که مصاحبه‌شوندگان ویژگی‌های ضروری دانشجویان در رشته‌های مورد مطالعه را اجتماعی بودن، قدرت تفکر و تحلیل بالا، انگیزه و هوش می‌دانند؛ در واقعیت، به دلیل تصور کنونی و شرایط ورود به دانشگاه، این رشته‌ها ناشناخته هستند و به جز رشته حقوق، دانشجویان علاقه چندانی به این رشته‌ها ندارند.



یافته‌های پژوهش معارفوند و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان می‌دهد بی‌انگیزه بودن، تمایل به نمره‌گرایی و مدرک‌گرایی در میان دانشجویان رشته علوم انسانی رایج است. ژیانپور، حسن‌پور و نیلی (۱۳۹۲) می‌گویند: باور کنونی جامعه ایران در ارتباط با رشته‌های دانشگاهی، باوری، ارزش‌گذاری شده است. به عبارت دیگر، افراد جامعه بر پایه ثروت آفرینی، کارکردهای عینی و رفع نیازهای اساسی و زیستی، درباره رشته‌ها ارزش داوری می‌کنند. به گونه‌ای که رشته‌های دانشگاهی همچون پزشکی، مهندسی و حقوق از منزلت بالایی برخوردار هستند. پژوهش حاتمی (۱۳۹۵) نیز، نشان می‌دهد توجه نکردن به رشته‌های علوم انسانی در سطح سیاست‌گذاری، ناشی از جایگاه اجتماعی پایین این رشته‌ها است و به تبع آن، تنزل شغلی و حرفه دانش‌آموختگان این رشته‌ها، به کاهش تقاضا در رشته‌های علوم انسانی از سوی داوطلبان ورود به دانشگاه منجر شده است.

تفاوت‌ها در رشته‌های مورد مطالعه نسبتاً کم‌تر است. از جمله: رسانه در آموزش، در برخی از رشته‌ها اصلاً استفاده نمی‌شود. یافته‌های پژوهش خاکباز (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد رسانه آموزش در رشته علوم تربیتی، دیداری و شنیداری است و استادان در تدریس، روش‌های مختلفی را به کار می‌برند. با وجود اینکه امینی، زمانی و عابدینی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود دریافتند میانگین استفاده از رسانه‌های شنیداری در دانشکده علوم انسانی بالا است؛ در رشته حقوق، استفاده محدودی از رسانه‌های آموزشی می‌شود. وحدتی شبیری (۱۳۹۱) و درویش‌زاده (۱۳۸۵)، نیز به ضعف استفاده از رسانه در رشته حقوق اشاره کرده و بر این نکته تأکید دارند که آموزش در رشته حقوق با کم‌ترین استفاده از فناوری‌های آموزشی انجام می‌شود و تمرکز بر شکل نوشتاری و فقر در منابع دیداری و شنیداری در این رشته وجود دارد. تفاوت دیگر در رشته‌های مورد مطالعه، مؤلفه روش تدریس است. مطالعه حسین‌نژاد و آخش (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد بین نوع دانشکده و محل تدریس استادان و کاربرد روش‌های فعال تدریس ارتباط وجود دارد. برای نمونه، در دانشکده حقوق، کمتر از روش‌های فعال تدریس استفاده می‌شود. وحدتی شبیری (۱۳۹۱)، توسلی نائینی (۱۳۸۹) و درویش‌زاده (۱۳۸۵)، بر این باور هستند به دلیل اینکه واحدهای درسی رشته حقوق به روز نیستند و سرفصل‌ها بدون تغییر و ثابت هستند؛ لذا، تدریس به شکل سخنرانی مناسب به نظر می‌رسد. در حالی که پژوهش روشن (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد روش آموزش در رشته مدیریت به شیوه انتقادی، برای کسب

مهارت‌های فراشناختی و شیوه مورد پژوهی، برای یافتن راه‌حل‌های عملی است. مؤلفه روش انجام دادن پژوهش، تفاوت دیگر در میان رشته‌های مورد مطالعه است. تمایل گسترده برای انجام دادن پژوهش به شکل فردی و مستقل به جای جمعی، در رشته‌های مورد مطالعه وجود دارد که متأثر از نگرش و ایده فردگرایانه حاکم بر جامعه است. از این رو، همکاری‌های گروهی در حد نوشتن پایان‌نامه یا رساله دکتری انجام می‌شود. برزگر (۱۳۹۱)، کمبود تألیف جمعی استادان یک رشته تخصصی را از نشانه‌های ضعف در فعالیت‌های گروهی می‌داند. البته این ضعف، در فعالیت‌های گروهی تغییرناپذیر نیست و با تمرین می‌توان آن را آموخت. مطالعه علم‌سنجی عرفان‌منش و مروتی اردکانی (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد الگوی تألیف مقاله‌های چاپ شده بیشتر انفرادی است. مروتی و حسامپور (۱۳۹۴)، نیز در پژوهش خود دریافتند مقاله‌های انفرادی در فصلنامه ادبی سهم زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. این موارد، بازتاب این موضوع است که کارهای تیمی و گروهی در جامعه ما ضعیف است. احمدی و قلاوند (۱۳۹۵) می‌گویند: در جامعه ایران، فرهنگ علمی و پژوهشی در کساکش اثرگذاری و اثرپذیری از فرهنگ عمومی جامعه است و برای کاهش اثرات ناخواسته و نامطلوب فرهنگ عمومی بر مرزهای فرهنگ پژوهشی، صرف منابع و فرصت‌های بسیار ضروری است.

تعامل میان این مؤلفه‌ها در طی زمان، باورها و مفروضات مشترکی درباره ارتباط با هم و با قدرت، ماهیت انسان، زمان و غیره شکل می‌گیرد. این موضوع، توجه ما را به سطحی فراتر از رشته جلب می‌کند؛ جایی که رشته‌ها ظهور می‌کنند و توسعه می‌یابند. در واقع، سطح سازمان دانشگاه، جایی که می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی را ایجاد یا مهار کند. اتمسفر یا جو و فضای سازمان دانشگاه، آثار ضمنی یا آشکاری بر کنشگران هر یک از رشته‌ها دارد که منجر می‌شود مجموعه‌ای از باورها در رشته یا گروه علمی نهادینه شود. بر پایه یافته‌های این پژوهش، دانشگاه‌های علوم انسانی، برای تأمین منابع مالی، کیفیت و کمیت فضا و امکانات آموزشی، فراهم کردن فرصت‌های یادگیری در خارج از کلاس مانند آزمایشگاه و گردش علمی، دچار کمبودهای جدی هستند که بر ارزش‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها و در نهایت، فرهنگ رشته‌ای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. برخی از پژوهشگران بر این باور هستند که این مسائل به ماهیت رشته یا دانشگاه مربوط نمی‌شود، بلکه به جایگاه آن‌ها در جامعه بستگی دارد.

سطح فراسازمانی یا فرهنگ حاکم بر جامعه، در ایجاد یا کاهش تفاوت در نگرش‌ها و

کنش‌های اعضای اجتماعات رشته علوم انسانی و در نهایت فرهنگ رشته‌ای تأثیرگذار است. در جامعه ما، دیدگاه سلسله مراتبی به رشته‌ها و ارزشگذاری درباره جایگاه رشته‌ها وجود دارد که بر نگرش افراد تأثیرگذار است. نگرش ابزاری حاکم بر جامعه موجب شده، برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون رشته حقوق با اقبال عمومی، پایگاه و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار باشند و برخی رشته‌ها، عکس این وضعیت را دارند. افزون بر این، ابهام در کاربرد علمی این رشته‌ها، یکی از چالش‌های علوم انسانی است و با وجود ضرورت کارکردی علوم انسانی در جامعه، هنوز اهمیت آن در جامعه انکار می‌شود. محمودپور، رحیمیان، عباس‌پور و دلاور (۱۳۹۱: ۴۵) می‌گویند: ماهیت خاص و تفاوت ذاتی علوم انسانی با سایر علوم، سروکار داشتن بیشتر این رشته‌ها با امور ذهنی و معنوی و نداشتن محصولات ملموس و نتایج ثابت به ضعف جایگاه آن‌ها و ناآگاهی عمومی درباره کارکرد و کاربرد آن‌ها منجر شده است. در کشور ما، به رشته‌هایی که کارکرد اقتصادی ضعیفی دارند؛ به رغم نقش و تأثیر مهم آن‌ها در فرهنگ و توسعه، کم‌تر توجه می‌شود و سهم کم‌تری از بودجه به آن‌ها اختصاص داده می‌شود. تکرار این چرخه، به ضعف هر چه بیشتر این رشته‌ها منجر شده است.

بر پایه این بحث، ماهیت فرهنگ رشته علوم انسانی، فقط ریشه در هنجارها و باورهای خاص خود قرار ندارد، بلکه از فرهنگ سازمانی یا دانشگاهی و ملی که این رشته‌ها در آن ظهور و رشد می‌کنند نیز، متأثر می‌شود. جعفری، رحیمیان، عباس‌پور، غیائی ندوشن و خورسندی طاسکوه (۱۳۹۷) می‌گویند: رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، دانش‌های وابسته به متن اجتماعی خود هستند. شرایط محلی و جامعه‌ای که این دانش‌ها در آن‌ها ظهور می‌کنند، در خلق، اشاعه و کاربرد این علوم تأثیر می‌گذارند. موضوعی که رشته علوم انسانی را از سایر رشته‌ها متمایز می‌کند و اغلب، در پژوهش و عمل نادیده گرفته می‌شود. در حالی که پژوهش در سطح کلان اغلب شامل مطالعه تعاملات بین دانشگاه و جهان بیرونی نظیر: بودجه، ارتباط اجتماعی، دسترسی و قابلیت کار؛ در سطح میانه یا مؤسسه شامل مطالعه پدیده‌های درون دانشگاه مانند: مدیریت، ارزیابی، توسعه و سنجش است؛ این تمایل وجود دارد که تفاوت‌های این سطوح نادیده گرفته شود و بر مسأله پژوهش در سطح خرد تأکید شود مانند: مطالعه عملکرد گروه یا رشته، پژوهش و عمل تدریس، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، در حالی که مسائل علوم انسانی بیشتر در سطح کلان و میانه قرار دارد و هر گونه برنامه‌ریزی برای تغییر مستلزم

- تغییر این ارزش‌ها و باورهای بنیانی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:
- زمینه تعامل میان رشته‌ها با هم و جامعه فراهم شود.
 - شیوه‌های ورود به دانشگاه‌ها بازننگری شود تا افراد بر اساس استعداد و علاقه وارد دانشگاه شوند.
 - سرفصل‌های رشته‌های علوم انسانی بر پایه شناسایی، حل مسائل رشته و جامعه بازننگری شوند تا ضمن تغییر جایگاه این رشته، فرصت اشتغال برای دانش‌آموختگان فراهم شود.
 - امکانات، تجهیزات و فناوری‌های آموزش مانند سیستم‌های ویدئویی، اینترنت، آزمایشگاه و غیره برای رشته‌های علوم انسانی فراهم شود.
 - سیاست‌های ارتقاء اعضای هیئت علمی در جهت تشویق پژوهش گروهی و مشترک بازنویسی شود.
 - کارگاه‌های روش‌های جدید و فعال تدریس در رشته‌های علوم انسانی طراحی و برگزار شود.
- لازم به توضیح است، از یک طرف، ویژگی‌های فرهنگ یک رشته را به جوامع یا کشورها و حتی دانشگاه‌های مختلف یک کشور تعمیم داد و از طرف دیگر، شرکت‌کنندگان این پژوهش محدود بودند. لذا، وجود این موارد تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش را با نگرانی همراه می‌کند.

منابع

- احمدی، پروین و قلاوند، زهره (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر فرهنگ پژوهشگری در دانشگاه. چهاردهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، فرهنگ و برنامه درسی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- احمدی، غلامعلی، پسندیده، جواد و دهقان‌زاده، احد (۱۳۹۵). فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران. نشریه مطالعات آموزشی مرکز مطالعات و توسعه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش. ۴ (۱): ۳۴-۲۲.
- امین مظفری، فاروق، عباس‌زاده، محمد و رضایی فرهادآباد، رجب (۱۳۹۴). بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز. فصلنامه جامعه‌شناسی

کاربردی. ۲۳ (۴): ۱-۲۴.

امینی، نرجس، زمانی، بی‌بی عشرت و عابدینی، یاسمین (۱۳۹۳). مقایسه رسانه‌های آموزشی مورد استفاده استادان دانشکده‌های علوم پزشکی، فنی- مهندسی و علوم انسانی در فرایند یاددهی- یادگیری از دید دانشجویان. *دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد پژوهش‌های آموزش و یادگیری*. ۲۱ (۴): ۷۰-۵۵.

اسکندریان، غلامرضا و برغمندی، هادی (۱۳۹۵). ویژگی‌های فرهنگی دانشجویان رشته‌های هنر (شناخت وضع موجود پیش شرط برنامه ریزی فرهنگی). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. ۱۰ (۴): ۵-۳۳.

برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای در ایران. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*. ۱۶ (۵۱): ۱۹۴-۱۷۳.

توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزشی رشته‌های حقوق در ایران و فرانسه. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. ۱۰ (۲): ۱۵-۱.

جعفری، سپیده، رحیمیان، حمید، عباس‌پور، عباس، غیاثی ندوشن، سعید و خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۷). الگویی برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*. ۹ (۱۷): ۹۱-۶۷.

حاتمی، جواد (۱۳۹۵). چالش آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۱۰ (۳۲): ۲۷۳-۲۳۴.

حائری‌زاده، سید علی، اصغر پورماسوله، احمدرضا، نوغانی، محسن، میرانوری، سید علیرضا (۱۳۸۸). بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد- دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. ۶ (۱): ۵۱-۲۷.

حسینی، سید حسین و شهابی، روح‌الله (۱۳۹۷). علوم انسانی در ایران؛ وضعیت کنونی و راهکارهای ارتقاء آن با بهره‌گیری از الگوی تحلیل درونی/ محیطی. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۸ (۱): ۲۷۵-۲۴۹.

حسین‌نژاد، غلامرضا و آخش، سلمان (۱۳۹۲). بررسی میزان بهره‌گیری اساتید دانشگاه از روش‌های فعال تدریس. *فصلنامه علمی- تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*. ۶ (۲): ۷-۲۰.

خاکباز، عظیمه‌سادات (۱۳۹۳). شناسایی یک چارچوب مطالعاتی برای فرهنگ رشته‌ای در



برنامه‌های درسی آموزش عالی. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. ۵ (۱۰): ۷-۳۲.

درویش‌زاده، محمد (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی آموزش حقوق در ایران (رشته‌های دستگاهی، نظام اجرایی، متون و سرفصل‌ها). کنگره ملی علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روشن، سید علیقلی (۱۳۹۵). غفلت از راهبرد بنیانی آموزش مدیریت در کشور: اندیشه‌ی انتقادی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۹ (۳۱): ۷۲-۵۱.

ژیانپور، مهدی، حسن‌پور، آرش و نیلی، علی‌رضا (۱۳۹۲). کشاکش رشته‌ها در میدان دانشگاهی (مقایسه سرمایه فرهنگی رشته‌های چهارگانه دانشگاه دولتی اصفهان). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴ (۳): ۲۳۳-۲۱۳.

عرفان‌منش، محمد امین و مروتی اردکانی، مرضیه (۱۳۹۵). مطالعه علم سنجی و تحلیل شبکه‌های همکاری علمی در فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۸ (۴): ۷۷-۵۵.

عدلی، فریبا (۱۳۹۷). تحول دانش و دانش‌آفرینی در سازمان (حرکت به سوی دانشگاه دانش‌آفرین). تهران: جهاد دانشگاهی.

علیزاده اقدم، محمد باقر، عباس‌زاده، محمد، شیشوانی، عسل و تجویدی، مینا (۱۳۹۰). بررسی تعیین‌کننده‌های پایبندی به اخلاق علمی در بین اعضای هیئت علمی؛ مطالعه موردی دانشگاه تبریز. مجله علوم سیاسی و فن‌آوری، ۳ (۴): ۶۸-۵۷.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا. فصلنامه نامه انسان‌شناسی، ۱ (۳): ۹۳-۱۳۲.

فراستخواه، مسعود (۱۳۸۵). اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱ (۱): ۲۷-۱۳.

فلیک، اووه (۱۳۹۴). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی. چاپ هشتم. تهران: نی. قنبری، سیروس، اردلان، محمدرضا، بهشتی‌راد، رقیه و سلطان‌زاده، وحید (۱۳۹۴). اخلاق حرفه‌ای اعضای هیأت علمی و رابطه آن با کیفیت آموزش عالی. مجله اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰ (۲): ۵۰-۴۰.

کدخدایی، محبوبه سادات، اخوان تفتی، مهناز، رضایت، غلامحسین؛ احمدی، پروین (۱۳۹۶). طراحی الگوی آموزش دانشگاهی مبتنی بر شایستگی برای رشته‌های علوم انسانی. فصلنامه



- علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، ۹ (۱): ۱۳۱-۱۰۵.
- محمودپور، بختیار، رحیمیان، حمید، عباس پور، عباس و دلاور، علی (۱۳۹۱). واکاوی چالش‌های فراروی تجاری سازی تحقیقات علوم انسانی و ارائه یک نظریه زمینه‌ای. فصلنامه علمی و پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲ (۲): ۴۹-۱۹.
- مروتی، مرضیه و حسام‌پور، سعید (۱۳۹۴). تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی (شماره های ۲۸-۱). فصلنامه نقد ادبی. ۸ (۳۲): ۱۷۰-۱۵۵.
- معارفوند، زهرا، شمس، غلامرضا و صباغیان، زهرا (۱۳۹۷). آسیب شناسی فرهنگ یادگیری دانشجویان رشته‌های علوم انسانی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۱۰ (۱): ۱۶۷-۱۳۱.
- نظرمنصوری، علی، یزدخواستی، بهجت و همتی، رضا (۱۳۹۵). مسائل و چالش‌های جامعه‌پذیری علمی دانشجویان در محیط دانشگاه. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران. ۸ (۴): ۲۸-۱.
- وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی رشته حقوق در ایران. راهبرد فرهنگ، ۵ (۱۹): ۱۶۹-۱۷۹.
- Adli, F. (2019). *Developing Knowledge and Knowledge Creation in the Organization (Moving to Knowledge Creation University)*. Tehran: Academic Jihad (Text in Persian).
- Ahmadi, P. and Ghlavand, Z. (2016). Factors Influencing Research Culture at University. *14th Annual Conference of Iranian Curriculum Studies, Culture and Curriculum Association*. Hamedan: Bu Ali Sina University. (Text in Persian).
- Ahmadi, Gh. A., Pasandideh, J. and Dehghanzadeh, A. (2016). Academic Culture and Its Changes in Iran. *Journal of Medical Education Research Center of Army Medical University*. 4 (1): 34-22 (Text in Persian).
- Alizadeh Aghdam, M. B., Abbaszadeh, M., Shishvani, A. and Tajvidi, M. (2011). Investigating the Determinants of Adherence to Academic Ethics among Faculty Members; A Case Study of Tabriz University. *Journal of Political Science and Technology*. 3 (4): 68-57 (Text in Persian).
- Amini, N., Zamani, B. E. and Abedini, Y. (2014). Comparison of educational media used by faculty of medical sciences, engineering, and humanities in teaching-learning process from students' perspective. *Two University Quarterly Journal of Education and Learning Research*. 21 (4): 70-55 (Text in Persian).
- Amin Mozaffari, F., Abbaszadeh, M., Rezaei Farhad Abad, R. (2015). Investigating the Relationship between Discipline Culture and Different Types of Academic Cultures at Tabriz University. *Journal of Applied Sociology*. 23 (4): 24-1. (Text in Persian).
- Arfan manesh, M. A. and Morvati Ardakani, M. (2016). A Study of Scientometrics



- and the Analysis of Scientific Collaboration Networks in the Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 8 (4): 77-55 (Text in Persian).
- Austin, A. (1996). Institutional and departmental culture: The relationship between teaching and research. *New Directions for Institutional Research*, 90, 57-66.
- Barzegar, A. (2012). Pathology of Interdisciplinary Studies in Iran. *Journal of Epistemic Studies at Islamic University*, 16 (51): 194-173 (Text in Persian).
- Becher, T. (1984). Towards a definition of disciplinary cultures. *Studies in Higher Education*, 6 (2), 109-122.
- Becher, T. (1994). The significance of disciplinary differences. *Studies in Higher Education*, 19 (2), 151-161.
- Darvishzadeh, M. (2006). The Pathology of Law Education in Iran (Applied Disciplines, Executive System, Texts and Headings). *National Congress of Humanities*, Tehran: Humanities and Cultural Studies Institute. (Text in Persian).
- Eskandarian, Gh. and Baghmadi, H. (2016). Cultural characteristics of art students (understanding the preconditions of cultural planning). *Iranian Journal of Social Studies*, 10 (4): 33-5 (Text in Persian).
- Fazeli, N. (2003). A Comparative Study of Iranian and British Academic Culture. *Anthropology Quarterly*, 1 (3): 132-93. (Text in Persian).
- Flick, Uwe (2016). *An Introduction to Qualitative Research*. Translation: Hadi Jalili. Eighth Edition. Tehran: Straw. (Text in Persian).
- Frostkhah, M. (2006). Academic Ethics The secret to promoting higher education The place and mechanisms of scientific professional ethics in ensuring the quality of higher education. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 1 (1): 27-13 (Text in Persian).
- Galili, Igal (2017). *Scientific Knowledge as a Culture: A Paradigm for Meaningful teaching and Learning of Science*. In: Matthews M. (eds) History, Philosophy and Science Teaching. Science: Philosophy, History and Education.
- Ghanbari, S., Ardalan, M., Beheshti Rad, R. and Soltanzadeh, V. (2015). Professional Ethics of Faculty Members and its Relation to the Quality of Higher Education. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 10 (2): 40-50 (Text in Persian).
- Gianpour, M., Hassanpour, A., Nili, A. R. (2013). Struggling in Academic Fields (Comparing the Cultural Capital of the Four Degrees in Isfahan State University). *Journal of Applied Sociology*, 24 (3) 233-213 (Text in Persian).
- Godfrey, E. (2015). *Understanding disciplinary cultures, The First Step to Cultural Change*. Cambridge University Press.
- Godfrey, E. (2009). Exploring the culture of engineering education: the journey. *Australian Journal of Engineering Education*, 15(1) 1-12.
- Gunn, V. (2014). Mimetic desire and intersubjectivity in disciplinary cultures:



- constraints or enablers to learning in higher education? *Studies in Continuing Education*. 36 (1) 67-82.
- Hatami, J. (2016). The Challenge of Humanities Education in Iranian Universities: A Qualitative Study. *Journal of Research in Educational Systems*. 10 (32): 273-234 (Text in Persian).
- Haerizadeh, S. A., AsgharPourmasouleh, A. R., Noghani, M. and Miranouri, S. A. (2009). The effect of teacher-student social relationships on students' academic achievement. *Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*. 6 (1): 51-27 (Text in Persian).
- Hosseini, S. H. and Shahabi, R. (1979). Humanities in Iran; Current Status and Strategies for Its Improvement Using Internal / Environmental Analysis Model. *Critical Journal of Texts and Humanities Programs*. Institute for Humanities and Cultural Studies. 18 (1): 275-249. (Text in Persian).
- Hossein Nejad, Gh. and Akhash, S. (2013). Investigating the extent of university professors' use of active teaching methods. *Journal of Capital Police Forensic Science*. 6 (2): 20-7. (Text in Persian).
- Jafari, S., Rahimian, H., Abbaspour, A., Ghiasi Nodushan, S. (2019). A paradigm for the internationalization of universities in the humanities and social sciences. *Higher Education Curriculum Studies*. 9 (17): 91-67. (Text in Persian).
- Kadkhooi, M. S., Akhavan Tafti, M., Rezayat, Gh. and Ahmadi, P. (2018). Designing a Competency-Based University Teaching Pattern for the Humanities. *Iranian Journal of Higher Education*, 9 (1): 131-105 (Text in Persian).
- Khakbaz, A. S. (2014). Identifying a framework for study in the discipline culture in higher education curricula. *Higher Education Curriculum Studies*. 5 (10): 32-7 (Text in Persian).
- Koblitz, N. (2016). *Time for a Paradigm Shift in Our Disciplinary Culture?* Cryptology: second international conference. Kuala Lumpur, Malaysia, December 1-2, Revised Selected Papers 11-18.
- Lewis, J., Bartlett, A. and Atkinson, P. (2016). Hidden in the Middle: Culture, value and Reward in Bioinformatics. *Minerva*. 54(4)471-490.
- Mahmoodpour, B., Rahimian, H., Abbaspour, and Delaware, A. (2012). Analyze the challenges facing the commercialization of humanities research and present a grounded theory. *Journal of Innovation and Creativity in the Humanities*, 2 (2): 19-19 (Text in Persian).
- Moarefvand, Z., Shams, Gh and Sabaghian, Z. (2018). Pathology of Learning Culture of Humanities Students. *Journal of Education and Learning Studies*, 10 (1): 137-171. (Text in Persian).
- Morvati, M., Hesampour, S. (2015). Citation Analysis of Articles in Scientific Literature Review (No. 28-28). *Journal of Literary Criticism*. 8 (32): 170-155. (Text in Persian).

- Nazar Mansouri, A., Yazd Khosti, B. and Hemmati, R. (2016). Problems and Challenges of Student Socialization in the University Environment. *Iranian Journal of Higher Education*. 8 (4): 28-1. (Text in Persian).
- Pinch, T. (1990). The Culture of Scientists and disciplinary rhetoric. *European journal of education* 25(3)295-304.
- Roshan, S. A. (2015). Ignoring the Basic Strategy of Management Education in the Country: Critical Thinking. *Journal of Public Management Research*. 9 (31): 72-51 (Text in Persian).
- Tavassoli Naei, M. (2010). The Pathology of Law Degrees According to a Comparative Educational Review of Law Degrees in Iran and France. *Critical Research Journal of Texts and Humanities Programs, Institute for Humanities and Cultural Studies*. 10 (2): 15-1 (Text in Persian).
- Vahdati Shabiri, S. H. (2012). Pathology of Law in Iran. *Culture Strategy*, 5 (19): 179-169 (Text in Persian).
- Wisker, G. and Claesson, S. (2013). The Impact of Cross-Disciplinary Culture on Student-Supervisor Perceptions. *International Journal of Doctoral Studies*, 8:21-37.
- Ylonen, A., Gillespie, H. and Green, A. (2018). Disciplinary differences and other variations in assessment cultures in higher education: exploring variability and inconsistencies in one university in England. *Assessment & Evaluation in higher education*.43(6):1009-1017.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني

In Search of Understanding the Components of Humanities Discipliners in the Universities of Tehran

Marzihe Yazdii Darmanki¹, Fariba Adli*² and Golnar Mehran³

Abstract

Cultural knowledge, like all value-creation assets, is tacit and more effective. This study aimed to identify the components of humanities culture in Tehran city universities. To this end, different disciplines of the humanities: Law, Management, Education, Geography and Sociology were studied. The research method was qualitative and data were collected through semi-structured interviews. Using intensity sampling, subjects were selected for interview and interview's data were analyzed using thematic analysis. Based on the findings of this study, the cultural components of studied disciplines were categorized into 9 themes: Purpose of Education, Media of Education, Teaching Method, Evaluation Method, Research Method, Teacher-Student Relationships, Academic Ethics, Attitude to Students and Attitude to Students. These disciplines differ on two levels, intra-disciplinary and inter-disciplinary. The interdisciplinary level is influenced by external or meta discipline factors, university and society which are often overlooked in studies. Therefore, it is suggested that cultural change planning should be on the agenda of educational policymakers to improve these components.

Keywords: *National Culture, University Culture, Disciplinary Culture, Humanities Discipliners, Tehran*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

-
1. Master of Educational Management. Alzahra University, Tehran, Iran. marzi_yd@yahoo.com
 2. * Corresponding Author: Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. faradli@alzahra.ac.ir
 3. Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. g.mehran@alzahra.ac.ir
- DOI: 10.22051 / jontoe.2020.26443.2688
<https://jontoe.alzahra.ac.ir>